

## نقش فرهنگستان ایران در تعیین واژه‌های جدید پزشکی

دکتر مسعود کثیری<sup>۱</sup>

### مقدمه

در دوره پهلوی اول، بسیاری از روشنفکرانی که سالها بود زمینه را برای اجرای نظرات خود مناسب نمی‌دیدند، فعال شده و سعی نمودند با استفاده از اقتدار نظامی رضاشاه، به ایده‌های خود که مدت‌ها در حد آرزو باقی مانده بود، جامه عمل بپوشانند. یکی از مواردی که بسیار مورد توجه قرار گرفت و توسعه آن، اساس پیشرفت تلقی می‌گردید، تقویت ناسیونالیسم در میان ایرانیان بود.

برای نیل به این هدف سعی شد تا از تاریخ، يك ایدئولوژی پویا ساخته و با بزرگ‌نمایی افتخارات گذشته ایرانیان و زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی ایرانیان باستان، مردم را از هر قومیت و گویشی که هستند به گذشته‌ای یکسان و باشکوه که عامل وحدت ملی و امید به پیشرفت بود پیوند دهد. اگرچه شاه و مشاورانش فکر می‌کردند که تاکید بر ناسیونالیسم، نوعی باور و احساس قوی وفاداری نسبت به شاه را هم به همراه خواهد داشت. رضا شاه تحت تاثیر باورهای خود و اندیشه‌های مشاورانش دست به یکسری اقدامات برای تقویت ناسیونالیسم زد. این اقدامات شامل موارد زیر بود:

(آبراهیمیان، ۱۳۸۸: ۱۹۲-۱۹۵)

- ایجاد انجمن آثار ملی،

- ایجاد کانون ایران باستان،

- تشویق پژوهشگران به نوشتن و ترجمه کتاب درباره تاریخ ایران باستان،

- تغییر تاریخ رسمی کشور از هجری قمری به هجری خورشیدی،

---

۱. عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه اصفهان - معاون قطب مطالعات فرهنگ و تمدن شیعه در عصر صفوی - دبیر انجمن ایرانی تاریخ شاخه اصفهان

- تغییر نام کشور از پرس به ایران و تغییر نام برخی شهرها،  
- برگزاری کنگره‌های درباره‌ی تاریخ و فرهنگ ایران باستان،  
- ایجاد فرهنگستان ایران (فرهنگستان زبان و ادب فارسی)،  
- بهره‌گیری از نمادهای باستانی در معماری نوین،  
پژوهش حاضر سعی دارد تا به صورت خلاصه به نقش یکی از مراکز شکل گرفته در این زمینه، یعنی فرهنگستان ایران، و تأثیری که در تغییر لغات علوم پزشکی ایفا نمود، بپردازد. به همین دلیل ابتدا به معرفی کوتاهی از تاریخچه و عملکرد فرهنگستان پرداخته و پس از آن تلاش نموده است تا با بازخوانی اسناد به دست آمده، تحلیلی از نقش فرهنگستان در تبدیل واژه‌های علم پزشکی از زبان‌های دیگر به زبان ایرانی، بپردازد. واژه‌های کلیدی: فرهنگستان ایران، لغات پزشکی، رضاشاه

#### تاریخچه تاسیس فرهنگستان ایران

پس از برگزاری جشن هزاره فردوسی در سال ۱۳۱۳ش/۱۹۳۴م. و بر انگیزته شدن حس ملیت و غرور ملی در میان مردم، بویژه جوانان، جمعی بر آن شدند که زبان رایج آن روز را به صورت سره در آورند. در این میان برخی مانند میرزا ذبیح الله بهروز و ارباب کیخسرو در وزارت جنگ دور هم جمع شدند و واژه‌هایی همچون ارتش را در برابر قشون ساختند. اما پس از مدتی برای اینکه این کار تحت نظارت یک سازمان خاص قرار گیرد و جلوی اشاعه برخی لغات مضحک مانند «کس نفهمد» در برابر «محرمانه» و یا «سیخکی» در برابر «مستقیم» گرفته شود، در جریان کابینه‌ی دوم محمدعلی فروغی در ۲۹ اردیبهشت ۱۳۱۴ش/۱۹۳۵م. به پیشنهاد وی و حمایت علی اصغر حکمت، اساسنامه‌ی فرهنگستان در ۱۶ ماده بوسیله‌ی وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه تنظیم و این نهاد ایجاد شد. (مکی، ۱۳۷۰، ج ۶: ۲۳۴) روسای این انجمن تا پایان دوره پهلوی اول به ترتیب: محمد علی فروغی، حسن وثوق، علی اصغر حکمت، اسماعیل مرآت، دکتر عیسی صدیق اعلم، محمدعلی فروغی بودند. مهمترین اعضای پیوسته‌ی انجمن عبارت بودند از: ملک الشعراء بهار، علی اکبر دهخدا، محمد علی فروغی، سعید نفیسی، بدیع الزمان فروزانفر، علی اصغر حکمت، حسین گل‌گلاب، رشید یاسمی، قاسم غنی، ابراهیم پور داوود، محمد قزوینی، محمد تدین، جلال الدین همایی، علی اکبر سیاسی و محمد حسابی.

گروه‌های فرهنگستان در آغاز شامل: گروه لغت، گروه دستور، اصطلاحات پیشه، گروه کتب قدیم، گروه اصطلاحات ولایتی، گروه راهنما و گروه خط. پس از مدتی این هفت گروه به شش گروه زیر تغییر یافتند: گروه زبان فارسی و واژه‌گزینی و گردآوری واژه‌ها، گروه دستور زبان، گروه جغرافیا، گروه دستور، گروه لغت و گروه کتب قدیم.

به گفته‌ی علی اصغر حکمت، رضا شاه پهلوی همیشه می‌گفت: برای نام گذاری موسسات و به جای اصطلاحات قدیم، نام‌ها و اصطلاحات فارسی وضع کنید. بدین ترتیب فرهنگستانی که با این سخن رضا شاه پا گرفته بود تا سال ۱۳۲۰ش/۱۹۴۱م، ۲ هزار واژه به تصویب رساند. واژه‌هایی مانند شهرداری به جای بلدیّه، فرهنگ به جای معارف و بهداری به جای صحیه. بیشترین تلاش برای جایگزینی واژه‌ی دادگستری به جای عدلیه به کار رفت؛ زیرا عدلیه تا آن زمان بر مبنای شریعت اسلام اداره می‌شد. واژه‌های وضع شده بوسیله‌ی فرهنگستان را رضا شاه شخصاً رسیدگی می‌کرد. گرچه فرهنگستان ایران در ایفای وظیفه‌ی پیرایش کامل زبان از واژه‌های بیگانه‌ی عربی و ترکی ناموفق بود، چنان‌که موقتاً در ۱۳۱۷ش/۱۹۳۸م. به مدت یک هفته تعطیل شد، در ساختن شمار فراوانی واژه‌های فارسی توفیق یافت و زمینه برای تلاش‌های بیشتر در آینده برای پالایش زبان فارسی آماده شد. اعضای پیوسته فرهنگستان ایران عبارت بودند از:

حسن اسفندیاری (محتشم‌السلطنه)، ملک‌الشعرا بهار، علی پرتو اعظم، حاج سیدنصرالله تقوی، محمود حسابی، علامه دهخدا، غلامرضا رشید یاسمی، صادق رضازاده شفق، غلامحسین رهنما، حسین سمیعی (ادیب‌السلطنه)، عیسی صدیق، سیدمحمدکاظم عصّار، محمد فاطمر، بدیع‌الزمان فروزانفر، ابوالحسن فروغی، محمدعلی فروغی، عبدالعظیم‌خان قریب، حسین گل‌گلاب، سرتیپ غلامحسین مقتدر، سرلشکر احمد نجوان، ولی‌الله نصر، سعید نفیسی، حسن وثوق. از اعضای وابسته فرهنگستان می‌توان از محمدعلی جمال‌زاده، فخر ادهم، کریستین سن (دانمارک)، و هانری ماسه (فرانسه) نام برد.

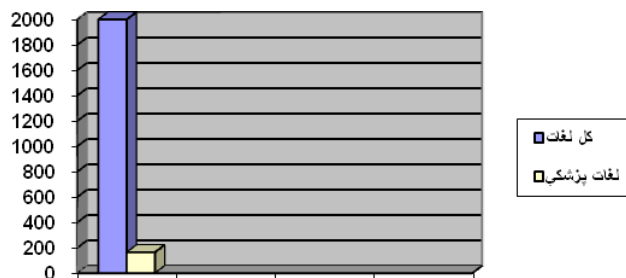
فضای سیاسی حاکم بر آن زمان، فرهنگستان را ناگزیر ساخت که بیشتر وقت خود را صرف انتخاب معادل برای اصطلاحات و واژگان خارجی کند. می‌توان گفت که فرهنگستان اول، بیشتر مهارکننده و بازدارنده بود تا سازنده، بدین معنی که در برابر سیل ورود کلمات بیگانه به زبان فارسی که از الزامات عصر ارتباطات بود، معادل‌سازی می‌نمود، که البته خالی از برخی تعصبات و بی‌دقتی‌ها نبود. فرهنگستان ایران در بهمن ۱۳۱۵ش/۱۹۳۶م. نظام‌نامه‌ای برای بازبینی در اصطلاحات علمی تصویب کرد و در آن راه و روش و ضوابط معادل‌یابی را تعیین نمود. این نظام‌نامه، اتخاذ طریقی سالم و معتدل، به دور از تعصب عرب‌زدایی و سره‌آفرینی را توصیه می‌نمود و از این‌رو، عملکرد فرهنگستان در این حوزه موفقیت‌آمیز بود و با اقبال عمومی بیشتری نسبت به قبل برخوردار شد. فرهنگستان اول، با پیشگیری به‌موقع از آفتی که به زبان فارسی روی آورده‌بود، وظیفه خود را ادا کرد. حاصل کار این فرهنگستان به تصویب رساندن دو هزار واژه تا سال ۱۳۲۰ش/۱۹۴۱م. بود. همچنین این فرهنگستان انتشار نامه فرهنگستان را از سال ۱۳۲۲ش/۱۹۴۳م. آغاز کرد.

([net.persianacademy.ir](http://net.persianacademy.ir))

### فرهنگستان و لغات پزشکی

اعضای فرهنگستان، به موازات فعالیتی که در وضع لغات جدید و تغییر لغاتی که از قدیم در ادبیات فارسی راه یافته بود، می‌کردند، مواجه با یک دشواری عمده در مورد علم پزشکی شدند. پیشرفت‌های شگرفی که روز به روز در این مورد صورت می‌گرفت باعث شده بود تا مراکز آموزش پزشکی ناگزیر از به کارگیری لغات خارجی شوند. لذا فرهنگستان سعی نمود تا به کارگیری تعدادی از پزشکان سعی در وضع معادل فارسی این گونه لغات نمایند.

بر اساس اسناد به جای مانده از آن دوران مجموعاً ۱۶۴ لغت معادل سازی گشته که در صورتیکه اسناد مزبور مشتمل بر کل لغات پزشکی وضع شده باشد، حدود ۳/۲ درصد از لغات وضع شده را در بر می‌گرفت.



مقایسه لغات وضع شده آن زمان با لغاتی که اکنون مورد استفاده قرار می‌گیرد، به خوبی نشانگر موفق بودن این عملکرد و اگر این اقدام فرهنگستان گسترش می‌یافت، امروزه با کاربرد بیشتری از لغات فارسی در زبان علم پزشکی مواجه بودیم.

اما با همه این مزایای برشمرده، ذکر این نکته هم ضروری است که در برخی از موارد ترجمه و معادل سازی لغات کاری بیهوده و حتی مشکل برانگیز بود. کار معادل سازی تا آنجا که لغات مورد استفاده عموم مردم را در بر می‌گرفت بسیار مفید و قابل ستایش بود. مثلاً برگردان لغاتی همچون: فصد به خون گیری و یا طبیب به پزشک از آنجا که مورد استفاده عامه مردم بود، بسیار جذاب و مورد استفاده عامه بود و در اندک مدتی جای خود را در بین مردم باز کرد.

اما هنگامیکه برگرداندن لغات تخصصی که تنها مورد استفاده افراد متخصص بوده و کاربرد بین المللی داشت را بررسی می‌کنیم، با این واقعیت

روبرو می‌شویم که این کار نه تنها عبث و ناکارآمد بود، بلکه به دلیل سختی و مشکلاتی که برای دانشجویان و پژوهشگرانی که از منابع غیر ایرانی برای مطالعه و تحقیق خود استفاده می‌کردند، ایجاد می‌کرد، مورد توجه واقع نشده و پس از مدتی به فراموشی سپرده شد. مثلاً برگردان لغاتی همچون اولسر به ریش و بزاق یا سالیو به خدو، از جمله لغاتی بود که هیچگاه نتوانست در فرهنگ نوشتاری و گفتاری علوم پزشکی جای خود را باز کند. این مشکل نه تنها در حوزه پزشکی، که در همه رشته‌های علمی پیدا شده بود. عیسی صدیق می‌نویسد:

« بر اثر جریان یافتن برخی از لغات که بدون تعمق وضع شده بود، مانند اصطلاحات ریاضی که به زبان عربی دارای قدمتی هزار ساله بود، در امر تدریس اختلال ایجاد شد و فهمیدن کتب درسی دشوار گردید. از آنجا که تعداد لغات تازه در هر ماه زیاد بود و مردم قدرت حفظ آنها را نداشتند، این کلمه‌ها را در غیر مورد به کار می‌بردند. در ادارات دولتی نیز این موضوع اختلال زیادی به وجود آورد.» (صدیق، ۱۳۴۲، ص ۲۶۰)

در این میان برخی از کلماتی هم که همچون واژه «حکیم» و «طیب» حیثه بسیار گسترده‌ای از معارف قدیم را در بر می‌گرفت، تبدیل به واژه‌هایی همچون «پزشک» شد که تنها ناظر به جنبه جسمی و علت‌شناسی مادی بیماری‌ها داشت و نمی‌توانست کلیه معانی را که واژه قدیم در ذهن شنونده تداعی می‌کرد، بیان نماید. در بخش ضمایم، کلیه واژه‌گانی که در حوزه پزشکی مورد بازنگری و معادل‌سازی قرار گرفت، در دسترس است.

آنچه که در ادامه می‌آید بازنویسی اسناد یاد شده می‌باشد:

سند شماره ۱

به تاریخ ۱۸ بهمن ۱۳۱۷

وزارت دارائی

در یکصد و بیست و هشتمین جلسه فرهنگستان برای چهل و پنج واژه طبی ضمیمه برابری در نظر گرفته شده و بتصویب پیشگاه مبارک ملوکانه نیز رسیده است. مقرر فرمایید برای بکار بردن واژه‌های مزبور دستور لازم صادر نمایند. نخست وزیر - محمود جم

واژه بیگانه	واژه فارسی	ردیف	واژه فارسی	واژه فارسی	واژه بیگانه
۱	طب و طبابت	پزشکی	۲۴	دوا فروش	دارو فرو

ش					
۲	طبيب	پزشك	۲۵	طریق علاج كه به زبان بیگانه Remede گفته می‌شود	درمان
۳	طب تجربي	پزشكي ازمایشي	۲۶	اصول تداوي	درمان شناسي
۴	تشریح یعنی شناسایی باحوال بدن موجودات که به زبانهای بیگانه Anatomy گفته می‌شود	کالبد شناسي	۲۷	متخصص در اصول تداوي	درمان شناس
۵	تشریح عملی یعنی پاره کردن بدن موجودات زنده برای آشنایی به وضع آنها که به زبانهای بیگانه Dissection گفته می‌شود	کالبد شکافي	۲۸	اکسترن	نوکار
۶	امتحان نسج زنده برای تحقیق در انواع بیماریها که به زبانهای بیگانه Biopsie نامیده می‌شود	باقت برداري	۲۹	انترن	کارورز
۷	فتح میت برای تحقیق آنکه از چه مرض یا چه صدمه ای مرده است که به زبانهای بیگانه Autopsie می‌شود	کالبد گشايي	۳۰	طبيب معاون	پزشك دستيار
۸	نسج یعنی آنچه که بدن موجودات را تشکیل می‌دهد و بفرانسسه Tissu نامیده می‌شود	باقت	۳۱	رئیس سرویس در بیمارستان	سرپزشك
۹	نسج شناسي	باقت شناسي	۳۲	کلنیک به معنی مطب در خارج	پزشك خانه
۱۰	نسج شناس	باقت شناس	۳۳	کلنیک یعنی مطب بیمارستان	درمانگاه
۱۱	کودک در شکم که به زبان خارجی Foetus گفته می‌شود	جنين	۳۴	کلنیک به معنی وصفی	باليني
۱۲	Embryon یعنی موجودی که در حال	رويان	۳۵	رادیولوژی	پرتوشناس ي

				رشد و نمو و رسیدن است	
۱۳	امبریولوژی	رویان شناسی	۳۶	رادبوسکی	پرتوبینی
۱۴	مرض	بیماری	۳۷	رادبوغرافی	پرتونگار ی
۱۵	طفیلی شناسی یعنی علم به احوال موجوداتی که به طفیل موجودات دیگر زندگی می‌کنند	انگل شناسی	۳۸	رادبیلوژیست	پرتوشناس
۱۶	طفیلی شناس	انگل شناس	۳۹	سم	زهر
۱۷	میکروبیولوژی	میکروب شناسی	۴۰	توکسین یعنی سمی که از میکروبا ترشح می‌کنند	زهرآبه
۱۸	میکروبیولوژیست	میکروب شناس	۴۱	سم شناسی	زهرشناس ی
۱۹	دوا	دارو	۴۲	ضدزهر	پادزهر - پازهر
۲۰	ادویه شناسی	دارو شناسی	۴۳	میکروگرافی	خردنگار ی
۲۱	ادویه شناس	داروشناس	۴۴	مومیفیکاسیون	مومیاکار ی
۲۲	دواساز	داروساز	۴۵	رساله دکتری	پایان نامه
۲۳	دواخانه	داروخانه			

سند شماره ۲

به تاریخ ۱۳۱۹/۲/۲۱

شماره ۶۴۷۹/۱۸۷۱

وزارت فرهنگ

اداره نگارش

به موجب بخشنامه شماره ۲۰۲۳ مورخه ۱۹/۲/۲۲ نخست وزیری در یکصد و هفتاد و دومین جلسه فرهنگستان برای سی و هشت واژه از اصطلاحات پزشکی و استخوان شناسی برابر هایی برگزیده شد و مورد تصویب پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاهی قرار گرفته است

نام فرانسسه	نام عربی	نام فارسی	ردیف
Os parietal	عظم قحف	آهیانه	۱
Os occipital	قمحده	استخوان پس سری	۲
Os sphenoid	عظم خفاشی	استخوان شب پره ایی	۳
Os zygomatic	قصبه الانف	استخوان تیغه ای	۴
Os unguis	عظم ظفري	استخوان ناخني	۵
Os palatin	عظم حنكي	استخوان کامي	۶
Os malaire	عظم وجنه - عظم خدي	استخوان گونه ای	۷
Os hyoide	-	استخوان لامی	۸
Vertebra dorsales	فقرات عنقي	مهره های گردن	۹
Atlas	اطلس	اتلس	۱۰
Axis	-	آسه	۱۱
Vertebres dorsales	فقرات ظهري	مهره های پشت	۱۲
Vertebres lombaires	فقرات قطني	مهره های کمر	۱۳
Lombe	قطن	کمر	۱۴
Lumbago	-	کمر درد	۱۵
Sacrum	عظم عجز	استخوان خاجي	۱۶
Os coccyx	عظم عصعص	استخوان دنبالچه	۱۷
Femure	عظم فخذ	استخوان ران	۱۸
Rotule	رضغه	گردنا	۱۹
Tibia	قصبه کبيري	درشت ني	۲۰
Perone	قصبه صغري	نازك ني	۲۱
Tarse	رسع	خرد استخوان پا	۲۲
Metatars	-	استخوان کف پا	۲۳



Talon	عقب	پاشنه	۲۴
Malleole interne	قوزك داخلي	غوزك درون	۲۵
Malleole externe	قوزك خارجي	غوزك بیرون	۲۶
Astragal	استخوان كعب	بجول	۲۷
Os -	-	استخوان میخی	۲۸
Os cuboide	عظم تاسي	استخوان تاسي	۲۹
Os frontal	عظم جبهه ابي	استخوان پیشانی	۳۰
Os temporal	عظم صدقي	استخوان گیجگاه	۳۱
Os etmoid	عظم مصفات	استخوان پرویزني	۳۲
Phalange	-	بند	۳۳
Phalangine	-	بندك	۳۴
Phalangetee	-	بندچه	۳۵
Liaque – Coxal	عظم حرقفه	سرین	۳۶
Pubis	عانه – زهار	استخوان شرمگاه	۳۷
Iliion	عظام الورك	استخوان تیبیگاه	۳۸

سند شماره ۳

به تاریخ ۱۳۱۹/۵/۷

شماره ۱۲۶۰۰/۳۸۸۹

وزارت فرهنگ

اداره نگارش

بخشنامه

بموجب بخشنامه شماره ۴۳۳۴ - ۱۹/۴/۱۹ نخست وزیری در جلسه های عمومی فرهنگستان ایران برای ۳۱ اصطلاح پزشکی برابر هایی به شرح زیر:

ردیف	اصطلاح پیشین	واژه نو	معادل به زبان خارجی
۱	مترشح	ز هناک	Suintant
۲	مرطوب	نمناک	Humide
۳	جراحت	زخم	Plaie
۴	قرحه	ریش	Ulcere
۵	قرحه دار	ریشناک	Ulcereux
۶	نمو جروح	رویش	Vegetation
۷	جروح نامیه	رویا	Vegetant
۸	ثدی	پستان - پستانک	Mamelon
۹	ذوالثدی	پستاندار	Mamelonne
۱۰	سرطان	چنگار	Cancer
۱۱	قروح سرطانی	چنگاری	Cancereux
۱۲	ازاله	برداشت	Perelevement
۱۳	فصد	خون گیری - خون گرفتن	Saigner- saignee
۱۴	فصاد	خون گیر - رگزن	Saigneur
۱۵	نزف الدم	خون روی	Saignement(Hemorragie)
۱۶	دموی	خونین	Sangelant
۱۷	قشر القروح	کبره	Croute
۱۸	دمانی	خون چکان	Sangninolent
۱۹	خرط قروح	خراش	Curetage
۲۰	عظم زورفی	استخوان ناوی	Os scaphoide
۲۱	عظم عقده ای	استخوان نخودی	Os pisiforme
۲۲	عظم قلابی	استخوان چنگکی	Os rochu

ناخوانا	استخوان کماني	عظم هلالی	۲۳
Omoplate	استخوان شانه	عظم الكتف	۲۴
Clavicule	چنبر	ترقوه	۲۵
Humeruse	استخوان بازو	عظم العضد	۲۶
Cubituse	زند زیرین	زند الاسفل	۲۷
Radiuse	زند زیرین	زند الاعلی	۲۸
Coude	آرنج	مرفق	۲۹
Carpe	خرده دست	رصع الید	۳۰
Metacarpe	استخوان کف دست	عظام کف الید	۳۱

برگزیده شد و مورد تصویب پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاهی قرار گرفته است. مراتب ابلاغ می‌شود تا دستور دهید از این پس در نوشتن و هنگام تدریس به جای اصطلاح های پیشین واژه های تازه را به کار برند. رسید این بخشنامه را نیز گزارش دهید.

وزیر فرهنگ

## سند شماره ۴

## وزارت دارایی

واژه‌هایی که در یکصد و شصت و یکمین جلسه عمومی فرهنگستان پذیرفته شده است:

واژه عربی	واژه خارجی	واژه فارسی	ردیف
فم	Bouche	دهان	۱
شغه	Levre	لب	۲
ضرس	Dent	دندان	۳
طواحن	Molaire	دندان آسیا	۴
انیاب	Canine	نیش	۵
ثنايا	Incisives	پیش	۶
فك	Machoire	آرواره	۷
فك اعلي	Machoire superieure	آرواره زیرین	۸
فك اسفل	Machoire inferieure	آرواره زیرین	۹
خد	Joue	گونه	۱۰
لثه	Gencive	گوشت دندان	۱۱
لوزه	Amygdale	بادامک	۱۲
لحات	Lurette	زبان کوچک - ملاده	۱۳
حلق	Gorge	گلو	۱۴
بلعوم	Pharynx	گلرگاه	۱۵
بزاق	Salive	خدو	۱۶
غدد بزاقی	Glandes salivaires	غده های خدو	۱۷
غدد تحت فکی	" sous maxillaries	غده های زیر آروراه	۱۸
غدد نکفیه	" Parotides	غده بناگوش	۱۹
غدد تحت لسانی	" sublinguales	غده زیر زبان	۲۰
-	Pilier anterieur	چین پیشین	۲۱
-	Pilier posterieur	چین پسین	۲۲
اثنی عشر	Dupenum	دوازدهه	۲۳
معاء دقاق	Intestine grele	روده باریک	۲۴
معاء غلاظ	Gros intestine	روده فراخ	۲۵
ایلاوس	Ileon	روده دراز	۲۶
صائم	Gegunum	روده تهی	۲۷
-	Colon	قولون	۲۸
قولون صاعد	Colon ascendant	قولون بالارو	۲۹
قولون نازل	Colon desendant	قولون پایین رو	۳۰
اعور	Coecum	روده کور	۳۱
ضمیمه اعور	Appendice	روده اویز	۳۲
معاء مستقیم	Rectum	روده راست	۳۳
-	Ansesigmoide	خم سینی	۳۴

-	Perine	میانین	۳۵
کبد	Foie	جگر	۳۶
-	Fesse	سرین	۳۷
غشا دماغي	Ecorce cerebrale	رويه مغز	۳۸
سحایا	Meninge	باشام مغز	۳۹
ام الغلیظ	Dure-mere	سخت شامه	۴۰
ام الرقیق	Pie-mere	نرم شامه	۴۱
عنكبوتیه	Arachnoide	تندوئی	۴۲
تلافیف دماغي	Circonvolution cerebrale	شکنجهای مغز	۴۳
-	Faux de cerveau	داس مغز	۴۴
-	Hemisphere cerebrale	نیمکره مغز	۴۵
-	Pedoncule	پایک	۴۶
دماغ اصغر	Cervelet	مخچه	۴۷
-	Protuberance	پل مغز	۴۸
بصل النخاع	Bulbe rachidien	پیاز تیره مغز	۴۹
بطون دماغي	Ventricules cerebrales	شکمچه های مغز	۵۰

#### منابع:

- ۱- ابراهامیان، یراوند، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، نشر نی، تهران، چاپ پانزدهم، ۱۳۸۸
- ۲- صدیق، عیسی، تاریخ فرهنگ ایران از آغاز تا زمان حاضر، سازمان تربیت معلم و تحقیقات تربیتی، تهران، ۱۳۴۲
- ۳- مکی، حسین، تاریخ بیست ساله ایران، دوره ۸ جلدی، انتشارات علمی، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۷۴

- [www.persianacademy.ir/fa/History.aspx](http://www.persianacademy.ir/fa/History.aspx)